

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مباحثه کوتاه با عنوان

# اثبات حقانیت حضرت مختار رضوان الله تعالی علیه



علي راضي  
آخرين بازديد در 18:32



سید عباس  
آخرين بازديد در 18:25

شهید سید اوینی: شاید جنگ به اتمام رسیده باشد اما مبارزه هنوز ادامه دارد

@seyedabbas\_133

نام کاربری

علي راضي (مخالف)

سید عباس (موافق)

برگزوه منظرانی خیمه گاه حضرت ابوالفضل ع

سیدعباس:

والا من اصلا بهم وقت ندادن در مورد مختار صحبت کنم که اینها رو آماده کردم بودم و نداشتن

بسم الله

اولا اینکه من نمی دانم اصلا هدف آقایان از تخریب حضرت مختار چیست؟ به چه می خواهند برسند و دنبال چه چیزی هستند؟ بهر حال اینکه کسی می خواهد مطلبی را نقل کنه بطبع باید بدنبال یک سر نخ و یا یم هدف باشه که او را به غایت و مقصودی برساند

براستی هدف از تخریب شخصیت بزرگی چون حضرت مختار چیست؟ و آقایان با هدف تخریب چه چیزی را دنبال می کنند و سناریو آنها چیست

نکته دوم که مطرح هست اینه ایشان فرمودند که حضرت مختار به حضرات معصومین دروغ می بستند

نکته دوم این هست که آقایان باید یک مسئله ای را به عنوان امر متیقن تاریخی بدانند که هر جا سخن از اصحاب خاص و ویژه اهل بیت است همان جا جماعت مخالف و نواصب و دشمنان اهل بیت شروع به جعل حدیث کرده اند تا از مقامات شامخ آنها را تنزل دهند

نکته سوم که آقایان باید بدانند در میان اصحاب اهل بیت افراد بسیاری بوده اند که روایاتی در باب ضعف و ذم آنها آمده است و در مقابل روایت هم در باب مدح آنها صادر شده است مانند حضرت جابر بن یزید جعفری مانند حضرت زراره حالا کسی نگفته آنها ضعیف هستن بلکه این روایات از باب تقیه صادر شده ان هم برای حفظ جان آنها لذا آقایان که می آیند تفحص در تاریخ می کنند یک نکته ای را باید بدانند بررسی رجال اصحاب اینگونه نیست که مصداق نومن بعض و نکفر بعض باشند آقایان روایات را گزینشی انتخاب کنند بلکه باید به همه اقوال اهل بیت رجوع کنند تا بتوانند نظر دهند حال آقایان دو تا روایت ضعیف و باطله که از حضرات معصومین برای حفظ جان حضرت مختار صادر شده را حمل بر تضعیف او نموده اند که نمی دانم روایات مدح را چرا نادیده و فاکتور گرفته اند؟

اما برسیم سر روایاتی که آقایان استدلال کردند

فرمودند که در روایات آمده است اهل بیت فرموده اند حضرت مختار به امام دروغ می بسته می گوئیم فرض می گیریم این حدیث اصلا صحیح، که صحیح نیست در جواب می گوئیم از روایت از جهت متن و دلالت از باب متعارضات و ایضا قاعده مرجحات باطله زیرا در کتب عمریه هم وارد شده است

المختار فقال: إن علی بن الحسین قام علی باب الكعبة فلعن المختار فقال له رجل: جعلنی الله فداک تلعنه وإنما ذبح فیکم؟ فقال: إنه کان کذابا یکذب علی الله وعلی رسوله.

عیسی بن دینار می گوید: از ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) در باره مختار سؤال کردم. گفت: علی بن الحسین (امام سجاد) بر درب کعبه ایستاد و مختار را لعن کرد. مردی به او گفت: فدایت شوم او قاتلان شما را کشت آیا او را لعن می کنی؟ ابو جعفر گفت: مختار دروغگو بود که بر خدا و رسولش دروغ می بست.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابو عبدالله البصري (متوفای 230هـ)، الطبقات الكبرى، ج 5، ص 213، ناشر: دار صادر - بیروت.

طبیعی هست که امام چنین انتساباتی را به مختار دهد تا او را چهره ای منحوس نزد ائمه در مقابل نواصب نشان دهد تا اینکه مختار اعتقاد خود را به نوعی استتار نموده تا به آن هدف اصلی برسد

اما در مورد سند همان روایت دروغ بستن حضرت مختار هم جایه بحث است که علما فرموده اند که اسناد آن ضعیف هست

سید خوئی در مورد متن آن چنین می فرماید

ولكن هذه الرواية لعل فيها تحريفا، فإن المختار بن أبي عبيدة كان في الكوفة، والحسين بن علي عليهما السلام كان بالمدينة، ولم ينقل ولا يخبر ضعيف كذب من المختار بالنسبة إلى الحسين عليه السلام وغير بعيد أن المختار الذي كان يكذب على الحسين عليه السلام أن يكون رجلا آخر غير المختار بن أبي عبيدة.

این روایت شاید تحریف شده باشد؛ زیرا مختار بن ابی عبید در کوفه بود و حسین بن علی علیهما السلام در مدینه و هیچگونه خبری حتی روایت ضعیفی نقل نشده که مختار به حسین بن علی دروغ می بست. بعید نیست که آن مختاری که بر امام حسین دروغ بسته، مردی دیگری غیر از مختار بن ابی عبید باشد.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای 1411هـ)، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج 19، ص 106، الطبعة الخامسة، 1413هـ - 1992م

و همچنین سند رو هم که برادر بادروج جواب دادند

پس اولاً روایت از جهت سند ثانیاً از جهت متن و ثالثاً از جهت دلالت مطرود و مردود است

و عرضه داشتند که حضرت مختار اعتقادی به امامت حضرت سجاد نداشته، از ایشان سوال می کنیم ایشان اگر اعتقادی به امام حضرت سجاد نداشته به امامت کی اعتقاد داشته؟ حال آنکه علما قویاً اعلام نموده اند ایشان از معتقدین به امام حضرت سجاد علیه سلام بوده

علامه مامقانی در تنقیح المقال می نویسد: الاقوی و الاظهر انه كان يقول بإمامة السجاد عليه السلام.

اقوی و اظهر این است که مختار به امامت امام سجاد (علی بن الحسین) علیه السلام معتقد بود. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 205، ناشر: المكتبة المرتضوية، نجف اشرف 1350هـ

اما فرمودند که حضرت مختار محبت شیخین را در دل داشته است که می گوئیم این هم از اباطیل تاریخ است که سید خوئی تصریح بر ضعف این روایات نموده است

أقول: الروایتان ضعيفتان، أما رواية التهذيب فبالارسال أولاً، وبأمية بن علي القيسي ثانياً. ....

هر دو روایت از نظر سند ضعیف اند. اولاً: روایت تهذیب مرسل است و ثانیاً: امیه بن علی قیسی (در روایت دوم) ضعیف است.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای 1411هـ)، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج 19، ص 108، الطبعة الخامسة، 1413هـ - 1992م

نکته جالب اینجاست اون برادر علی رافضی ادعا کردند که مختار ماذون از امام نیست و روایت هم آورده کسی که ماذون نباشه خوک و سگ فلان هست بعد هم می گه ثابت کردم اصلاً شیعه نیست یعنی شیعه اهل بیت نبوده

خوب در این صورت که کفر و شرک او ثابت است اولاً شیعه نبود دوماً ولایت را قبول نداشته

و طبق اجماع شیعیان کسی که شیعه نباشه و ولایت مولا را انکار کنه بنا ئبر اجماع کافر و جهنمی هست انوقت  
چطوری فرد کافر خوک مورد شفاعت امام حسین قرار گرفته؟ این تناقض اول

ان أنکر إمامة أحد الأئمة و جحد ما أوجبه الله تعالى من فرض الطاعة، فهو كافر ضال مستحق للخلود في النار.

أوائل المقالات للشيخ المفيد، ص 44

تناقض دوما اینجا بود گفت که اگر شیعه مولا بوده پس باید حضرت امیر به او لبیک می گفت و این یعنی هر  
اهل بیته به او لبیک بگوید یعنی شیعه ان اهل بیت هست خوب خودش اقرار کرد امام حسین به او لبیک گفته  
پس ثابت هست شیعه امام حسین بوده و ولایت امام را قبول داشته با این اوصاف چرا می گوید شیعه نیست؟  
نکته سوم اینجاست طبق اقرار علمای شیعه ان کسی که مورد شفاعت است شیعیان هستن اگر او شیعه نیست  
چطوری شفاعت شده؟

نکته چهارم فقها فرمودن اهل بیت شیعیان خودشان را شفاعت می کنن حالا نکته اینجاست اگر مختار شیعه  
نیست چطوری امام معصوم او را شفاعت می کنه؟

و نیز امامان علیهم السلام به همین نحو شیعیان را شفاعت می کنند. در نتیجه خداوند بسیاری از خطاکاران را  
نجات می دهد.

أوائل المقالات الشيخ المفيد، ج 1 ، ص . 47

بنا بر این عقیده شیعه وقتی مختار مورد شفاعت امام معصوم است پس شیعه بودن او ثابتة حالا چگونه ایشان  
می گوید عدم اعتقاد او به امامت و شیعه نبودش ثابت شد؟

نکته بعدی اینجاست ایشان به قول ایت الله میلانی استدلال کردن من هم به قول ایشان استدلال می کنم که  
بسیار جالب است

معظم له فرمودند فقط شیعیان بهشتی هستند خوب سوال ما از آقای رافضی این هست طبق نظر معظم له فقط  
شیعه بهشتی هست اگر مختار شیعه نیست چطوری بهشتی می شود؟

متن استفتا:

سلام.

آیا فقط شیعیان به بهشت می روند؟ اگر شخصی از اهل کتاب مثلاً یک مسیحی کارهای نیک بسیار زیادی انجام دهد و از کارهای بد دوری کند آیا ممکن است به بهشت برود؟

با تشکر

پاسخ

آیت الله سید علی حسینی میلانی مدظله

بسمه تعالی

السلام علیکم

از مسلمین فقط شیعیان تا چه رسد به غیر اهل اسلام، و کار نیک مسیحی را خدا در دنیا جزا می دهد.

7157

<http://www.al-milani.com/farsi/qa/qa.php?cat=88&itemid=645>

علی رافضی:

سلام

سیدعباس:

علیکم

علی رافضی:

سید دیروز بحث شما رو دیدم

همین دیگه مختار ممدوح در عمل هست و مذموم در عقیده

سیدعباس:

اولا که بنده دیروز ردودی داشتیم که آقایان متاسفانه مجال ندادن برای زدن همان 3 کامنت هم با بسم الله،

بسم الله زدیم که حذف نشود

نکته بعدی این هست که ما اصلا نیازی نداریم که شما برای ما بخواهی استدلال بکنی که حضرت مختار در عمل ممدوح هست و نه در عقیده زیرا علما خلاف اباطیل شما نظر دهی کردن

نکته سوم اینجاست تو هنوز نمی دانی عمل انسان برگرفته از عقیده او هست و نه غیر او، یعنی مثل این می ماند کسی بگوید من نماز می خوانم ولی به ان اعتقاد ندارم، کس روزه می گیرد ولی به ان اعتقاد ندارد لذا بگوییم عمل او درست است و نه اعتقاد او این از اباطیلی هست که ادم را جز خنده به عملی دیگه واگذار نمی کنه

نکته چهارم اینجاست آنچه ما در 3 کامنت ارسال کردیم دقیقا جواب هایی بوده که از فهم غلط و اشتباه شما به مطالب شما پاسخ داده شد حالا تو اقناع نشدی مشکل از شما هست و نه مخاطب این اولا ثانیا نیامدیم تو را اقناع کنیم بلکه تناقض تو را نشان دادیم و مخاطب خود قضاوت می کند نکته سوم اگر قرار باشد تو اقناع بشی که باید دست از عقیده ات برداری

اما در مورد موضوعات مورد استدلال شما بنده در همین ریپلی مطالب رو ارسال کردم بروید بخوانید

بنده مطالب شما را خواندم که والله بالله تالله قسم جلاله هست خدا را شاهد می گیرم مطالبی را مشاهده کردم جز از یک جاهل صادر نمی شود

مثلا روایت از باب تقیه در ذم مختار صادر شده و این بلاشک و بلاریب هست شما می گویی ایا جایی آمده که از باب تقیه هست؟ اخه بنده خدا ما کلی روایت داریم در همین کتاب وسائل الشیعه علامه شیخ حر عاملی می گوید فلان روایت از باب تقیه هست فلان روایت از باب تقیه هست سوال اینجاست اینها را ائمه گفتن از باب تقیه هست؟ یا اینکه فقها طبق قواعد حدیث و مبنای اعتقادی و فقهی شیعه این امر برایشان مسجل و متیقین شده است؟ انوقت تو می گویی مطالب ما اقناعی هست خدایی مطالب شما اصلا عطر و بوی مبنای علمی داشته که جواب من طبق اعتقاد شما اقناعی باشه؟

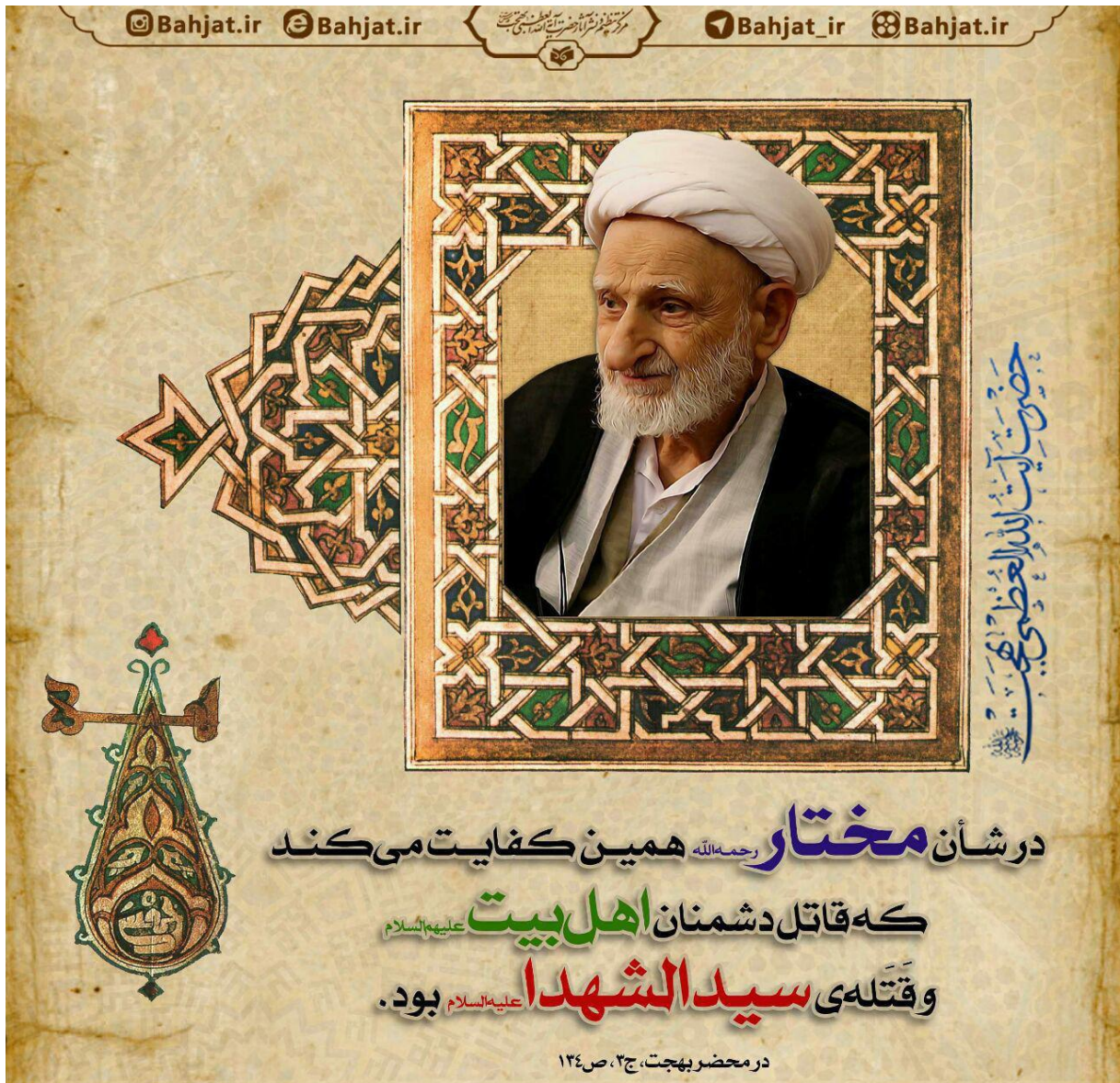
یک مشت اباطل سر هم کردید می گوید استدلال اوردم

علامه مجلسی می فرماید روایت معتبر هست می گوید حدیث موثق هست بعدا شما می گوید روایت صحیحه شما حتی معنای صحیح و موثق را نمی دانی

خدا شاهدده جز بی اساسی چیزی ندیدم

مثلا می گویند عمل مختار ممدوحه و نه شخصیت او حال آنکه فقهای نامی شیعه فهم شما را فهمی جاهلانه و باطل می دانند لذا با توگه به این روایات شخصیت خود حضرت مختار را ممدوح می دانند و نه اینکه بگویند عملش ممدوح هست اینها از باطلیل جاهلانه هست که مغز علمی در آن یافت نمی شود

نمونه بارز حضرت ایت الله العظمی بهجت رضوان الله تعالی علیه در مورد شخصیت حضرت مختار با توجه به این اعمالش چنین می فرماید



The image features a portrait of Ayatollah Behjat, a prominent Islamic scholar, wearing a white turban and a dark jacket. The portrait is set within an ornate, geometric frame. To the right of the frame, there is vertical calligraphy in blue ink that reads "حضرت ایت الله العظمی بهجت". Above the portrait, there are four social media handles: @Bahjat.ir, Bahjat.ir, Bahjat\_ir, and Bahjat.ir. Below the portrait, there is a decorative element resembling a stylized cross or a religious symbol. The main text below the portrait is in Persian, with "مختار" in large blue letters. The text reads: "در شأن مختار رحمه الله همین کفایت می کند که قاتل دشمنان اهل بیت علیهم السلام وقتله سید الشهداء علیه السلام بود." At the bottom, it says "در محضر بهجت، ج ۲، ص ۱۳۴".

در شأن مختار همین کفایت می کند که قاتل دشمنان اهل بیت علیهم السلام و قتل سید الشهداء علیه السلام بود.



اقای بی سواد دقت کن، قدس سره نفرموده عملش ممدوحه بلکه فرموده در شان مختار، شما فرق بین شان و ممدوح بودن عمل را ان شا الله تعالی می دانید چیه دیگه؟ ایشان نفرموده بابت شهادت قاتلین حضرت حسین علیه سلام عملش ممدوحه بلکه فعل او را دلالت بر مدح شخصیت او دانسته و نه عمل او می دانی چرا؟ چون فقها که فتاوایشان مثل شما نیست بلکه عمل را دلیل بر اعتقاد می دانند لذا می گویند چون او چنین اعتقاد داشته و با اعتقاد دشمنان را کشته لذا شان و شخصیت او ممدوح و ثقه و مورد اعتبار است که چنین تعبیری را بسیاری از علما داشتن حال آنکه مشهور بین علما هم ممدوح بودن شخصیت خود حضرت مختار است و نه فعلش

شما دو روز رفتی از این ور ان ور دو تا مطلب یافت کردی چنان که خود را عالم دهر می دانی بعدا یکه تازی کردی فحاشی می کنی به حضرت مختار می گویی خوکه سگه چون خروج کرده انوقت نمی دانیم کسی که خوکه و سگ هست و شیعه نیست چطوری بهشتی شده و مورد شفاعت هست؟ کسی که منکر ولایت مولا هست یعنی کافره و منکر نبوت رسول الله هست و منکر اینها هم شرک است انوقت نمی دانم چطوری مشرکین در بهشت راه می یابند و مورد شفاعت هستند یا شاید جهنم در بهشت شعبه زده ما خبر نداریم

اصلا من نیازی نداشتم ردیه از خودم بزنم

بلکه هر چی زدی از مطالب خود شما بوده

بنده مطلب برای اثبات حقانیت حضرت مختار و فهم علما از روایات برای اثبات وثاقت ایشان زیاد دارم که مخیله ایشان هم به ان نمی رسد چه برسد که با دو تا روایت دره پیت بخواهد حضرت مختار را منکر شود

گرچه که همان جمله ایت الله بهجت برای مهر بطلان بر اینها کفایت می کنه

ایت الله العظمی سید خوئی رض یک نکته ای در معجم رجال الحدیث دارند می فرمایند تمامی روایات مختار ضعیف هست

و بنده در مورد مختار مفصلا کار کردم و رو احادیثش هم کار کردم

روایاتی که در باب ذم او آمده یا از جهت سند ضعیفه یا از جهت متن و دلالت

و پایداری در مقابل احادیث حقانیت او ندارد

بعد می گوید ما عالمانه بحث کردیم

اخه بابا جهل در گفتار شما نمایان بوده

طرف می گه اهل بیت بر او درود و دعا کردن او می گوید پیامبر بر ابن سلول استغفار کرده خوب این هم از جهل شما هست چرا؟ چون با این کلام تمامی استدلال خودت را باطل کردی زیرا استغفار یعنی اینکه او مرتکب گناه شده و با این عمل برای او استغفار کرده تا مورد رحمت شود ولی برای حضرت مختار اهل بیت استغفار کردن که مورد بخشش بشه؟ یا برای او دعای خیر کردن؟ اگر مختار کار غلطی کرده بوده باید برایش استغفار می کردن و نه دعای خیر

این هنوز نمی داند استغفار معنیش چیست و دعای خیر برای چه هست

دعای خیر برای مقبولیت و ممدوح بودن شخص است و استغفار برای اینکه ان شخص از عذابش رهایی یابد این هنوز فرق بین رحمت و نعمت را نمی داند

**علی رافضی:**

**سید اول یه نکته بگم**

**چرا این جور میگی مگه علامه مجلسی شیعه نیست که خلاف شما به نتیجه رسبد**

**مگه علامه مجلسی پدر شیعه نیست که خلاف شما به نتیجه رسید**

**مگه علامه میلانی شیعه نیست خلاف شما به نتیجه رسید**

**خب اما روایات مدح گفتم اولاً من این روایات رو قبول دارم یکی دوتاش مشکل سندی خیلی زیادی داره و**

**روایت رو عبدالله بن زبیر زیدی مذهب ضعیف روایات کرده اما از این نکته میگذریم**

**روایات مدح در عقیده مختار نیست در فعل مختار هست که قاتلان امام حسین رو کشت**

**اما روایات ذم در عقیده مختار هست و این حرف ماست**

**همون دیشب جواب کافی و وافی رو دادم الان دیگه تکرار مکررات میشه**

**فقط این سوال رو میکنم جواب بدین ایا دلیلی برای اذن مختار از معصوم به قیام دارین؟**

کی گفته اینو؟؟؟؟

سید روایت اهل بیت صریح در این کلام شماسست چرا دقت ندارین جان من؟

اما روایات ذم در عقیده مختار هست و این حرف ماست

سیدعباس:

بابا حرف تو ارزش نداره عزیز من عزیز دلم به اندازه بال مگس هم بی ارزشه

چرا؟

چون این جا هم اقرار زیبایی کردی که گفתי حرف ماست پس حرف شما پیشیزی ارزش نداره چون نه عالمی نه فهمیمی و نه مجتهد ایضا همه اینها را باهم داشتی باز می گفتیم قولت را می کویمیم به دیوار زیرا خلاف مشهور است

جالبه قول خودش را ارجح بر فقها چون ایت الله بهجت دانسته بعدا بهش می گم جاهل می گوید چرا اینطوری می گویی و بعد می گوید بیا بحث طلبگی کنیم  
بابا جان تو دیشب خودت رو ترکوندی که با قول علامه مجلسی بیای مختار را مطعون نمایی الان می گویند قول عالم حجت نیست؟

بعدا تو می خواهی بحث طلبگی کنی؟

والله طلاب بری هستن از این اباطیل و تناقض شما

فایده بحث را تو تشخیص نمی دهی

این اقا دیشب خودش را به زمین زد به هوا زد فقط با یک قول، ان هم قول علامه مجلسی مثلا به زعم خود بیاید ثابت کنه که مختار نه شیعه مولاست نه ولایت دارد و ایضا بر باطل هست و کذا و کذا

ان امشب که با قول علما موجه شده می گوید قول علما برای ما حجت نیست ، اولاً این پارادوکس در شماسست اگر قول علما حجت نیست از بین بن استدلال به کلام مجلسی باطل است

ثانیا علما از خودشان چیزی نگفتن بلکه علما بر اساس روایات سخن گفته اند

ثالثاً فهم روایات در نزد علما هست و نه حضرت عالی

اما نکته خنده دار اینجاست می گوید اجتهاد علما حجت نیست ولی نمی دانم چطوری اجتهاد علما حجت نیست انوقت اجتهاد خودش حجت و می گوید روایات در مدح فعل مختار است و نه شخصیت او

عجیبه خودش اجتهاد کنه ایرادی نیس اما علما اجتهاد کنن باطله

**علی رافضی:**

**اما روایات ذم در عقیده مختار هست و این حرف ماست**

**ضعف علی ضعف، اینها پارادوکس های شما هست**

سیدعباس:

رافضی بار دیگر وسط حرفم مطلب بزنی

سکوت می زنمت

اما برویم سر پاسخ به اباطیل بالایش

اولا اینکه شما کلام علامه را هم نفهمیدی دوست عزیز اگر غایت کلام او را می فهمیدی چنین نمی گفتی که مگه علامه شیعه نیست که چنین گفتی

ایا تو کلام علامه را گفتی؟ ایا تو عقیده علامه را داری؟ والله اگر داشتی چنین نمی گفتیم، علامه فرموده ما در مورد او توقف می کنیم، ایا تو توقف کردی یا گفتی جهنمی هست و حجب ابوبکر و عمر را دارد و کافر است گفتی خوک است فلان هست، تو مثل علامه حرف زدی که الان می گی چرا اینطوری بهت می گم؟ علامه فرموده نهایت او نجات پیدا می کنه تو گفتی او نجات پیدا می کنه؟ یا گفتی نه خیر جهنمی هست و چون خروج بدون دستور معصوم کرده مانند خنزیر است؟ این نمظر توسن و این هم نظر علامه انوقت نگو چرا چنین و چنان می گویی، الکی خودت را به علامه مجلسی نچسبان

در ضمن شما چرا ادامه کلام علامه را نمی خوانی و قیچی می کنی که ایشان فرموده مشهور بین اصحاب بر این هست که باز هم خود شخصیت مختار ممدوح و مشکور است حالا آنکه توبه بی سواد می گویی نه خیر فعلش ممدوحه نه شخصیتش

من از شما سوال می کنم طبق نظر اهل بیت زمانی که اختلاف شد باید به مشهور بودن نظر علما رجوع کرد یا نقل یک عالم یا چند عالم؟

شما حتی ادامه کلام علامه را هم نمی خوانی که علما قائل بر ممدوح بودن خود مختار هستن و ربطی به فعلش نداره که شما از جیب حرف در میاری

لكن لما جرى على يديه الخيرات الكثيرة وشفى بها صدور قوم مؤمنين كانت عاقبة أمره آتلة إلى النجاة فدخل بذلك تحت قوله سبحانه وآخرون اغترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً وآخر سيئاً عسى الله أن يتوبَ عليهم .

أنا في شأنه من المتوقفين

وإن كان الأشهر بين أصحابنا أنه من المشكورين.

اما به دست او کارهای نیکی بسیاری انجام شد که دل‌های قومی از مؤمنان شفا یافت، به این جهت عاقبت امر او نجات است. لذا او در مصداق این آیه وارد شده است که می‌فرماید: و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد.

و من در باره او توقف می‌کنم

اگرچه اشهر بین اصحاب ما این است که مختار از خوبان و تقدیر شدگان است.

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 45، ص 339، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

دوستان شیعه به این نکات اشاره شده دقت کنید که بسیار در ان مطلب است که به شرح ذیل اعلام می دارم

اما یک جوابش رو همین اول بدم

خودش را کشت هی گفت علامه در مرآه او را مذموم دانسته در پاسخ می گوئیم استدلال به قول علامه باطله  
ان هم به اقرار خودت

وقتی می گوئیم شما جماعت تناقض دارید و عزت نفس ندارید همینه

**علی رافضی:**

**روایت حجتہ سید نہ اجتہاد علما بذاتہ**

سیدعباس:

پس تمامی استدلال هایی که دیشب برای رد حضرت مختار از علامتین اول و دوم آوردی باطل شد بنا بر اقرار  
خودت و حجیتی ندارد

اما بعد

نکته اول که از کلام علامه برداشت می شود و ایشان در فحوای کلام خود فرموده اند این است

او مورد نجاست است اما این آقای رافضی در گروه انصار چه گفت؟ گفت او جهنمی هست

**علی رافضی:**

**ما ہم ہمین را میکویینم کہ مختار صحیح العقیدہ وفات نکردند**

**این روایات ذم مختار**

**لذا در جهنم هست طبق روایت**

سید عباس:

خودتان رفقا قضاوت کنید، این اقا دیشب مدعیش این بود علامه گفته او بر باطل هست و بعد هم نتیجه گرفت  
که بله مختار جهنمی هست و صحیح العقیده نبوده

ولی حضرت علامه فرموده مختار نجات پیدا می کند من نمی دانم چطوری از نظر ایشان جهنمی هست ولی به  
این بخش علامه که فرموده نجات پیدا می کنه استدلال نمی کنه

اقای رافضی وقتی علامه فرموده نجات می یابد چرا شما می گویی که اینشان جهنمی هست و برای بطلان ایشان به کلام علامه استدلال می کنی و به این قولش رجوع نمی کنی؟

نکته بعدی کتاب بحار کتاب متقدم بر همراه است لذا حجیت ان اولی هست بر قول ایشان در همراه العقول

پس نکته اول در تناقض فاحش این اقا این هست که ایشان می گوید علامه فرموده او بر باطل است و جهنمی حال آنکه علامه فرموده اهل نجاست است

نکته دوم که از کلام علامه برداشت می شود اینست، ایشان ادعا کردن که فعل مختار ممدوح هست و نه شخصیت او، می گوئیم اگر شخصیت او مذموم است که باید جهنمی باشد انوقت چطوری هست که او بهشتی و مورد نجات است؟

پس نتیجه این هست فعل او نشأت گرفته از شخصیت او و اعتقاد سالم و صحیح او بوده که اگر این چنین نبود و عقیده اش سالم نبوده که بهشتی نمی شده

اینها 2 تا هست که عقل سلیم هم می فهمد

اما نکته سوم که از کلام علامه برداشت می شود این هست که توبه مختار پذیرفته می شود

ما از این اقا سوال می کنیم ایشان که گفته مختار کافر هست چون ولایت را نپذیرفته انوقت چطوری طبق نظر علامه ایشان توبه اش پذیرفته می شود؟ و بهشتی می شود؟ مگر شما اجتهاد نکردی از روایات که او جهنمی هست؟ پس چرا علامه فرموده توبه اش پذیرفته می شود و بهشتی هست؟

اجتهاد شما حجتست اما اجتهاد علامه مجلسی و فقها باطله و بذات حجیتی ندارد؟

یا للعجب از این همه تناقض

نکته بعدی فرض بگیریم علامه مجلسی اصلاً فرموده مختار کافر، مشرک است البتة العیاذ بالله ما خود را خاک پایه این مرد بزرگ هم نمی دانیم

فرض بگیریم علامه چنین اعتقادی داشته ایا حجت می آورد؟ می گوئیم خیر زیرا در مقابل قول ایشان قول مشهور فقها هست که ائمه هم فرموده مشهور بودن نظر فقها مورد عمل است و قول دیگر شاذه و باطل

سَأَلْتُ الْبَاقِرَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ - يَأْتِي عَنْكُمْ الْخَبْرَانِ أَوِ الْحَدِيثَانِ الْمُتَعَارِضَانِ فَبِأَيِّهِمَا أَخَذُ؟ قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): يَا زَرَّارَةُ خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ، وَدَعِ الشَّاذَّ النَّادِرَ. فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي إِنَّهُمَا مَعاً مَشْهُورَانِ مَرُويَانِ مَأْثُورَانِ عِنْدَكُمْ. فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): خُذْ بِقَوْلِ أَهْلِ عِنْدِكَ وَأَوْثِقْهُمَا فِي نَفْسِكَ. فَقُلْتُ: إِنَّهُمَا مَعاً عَدْلَانِ مَرْضِيَانِ مَوْثِقَانِ. فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنْظِرْ مَا وَافَقَ مِنْهُمَا مَذْهَبَ الْعَامَةِ فَاتْرُكْهُ وَخُذْ بِمَا خَالَفَهُمْ

از امام محمد باقر (علیه السلام) پرسیدم: فدایتان گردهم، هنگامی که از جانب شما دو خبر یا حدیث متعارض به دست ما می رسد کدام یک را بگیریم؟ فرمود: آن را که بین دوستان مشهور است بگیر و شاذ نادر را رها کن. عرض کردم: آن ها هر دو مشهورند و از شما روایت شده اند. فرمود: سخن آن که عادل تر و مورد اطمینان تر است را بگیر. عرض کردم، هر دو عادل و مورد اطمینان هستند. فرمود: بین کدام یک از آن دو با نظر اهل سنت موافق است آن را رها کن و مخالف با آن ها را بگیر

بحار ج 2 ص 245

پس ان که مشهور است را می گیریم و نه آنکه شاذ است لذا قول ممدوح بودن مختار مشهور است

اما نکته کلیدی دیگر که از قول علامه ثابت است اینه مشهور بین اصحاب ممدوح بودن شخصیت مختار است و یا فعل مختار؟ بلکه می گوئیم مشهور شخصیت مختار است

انوقت چطوری این اقا می گوید ممدوح فعل است و نه شخصیت او؟

یعنی این فقها هیچ کسی نفهمیده اینها از دماغ خرس افتادن و افهمیدن

دقت کن رافضی أنه من المشكورين

علامه فرموده انه یعنی خود مختار مورد تقدر و تشکر و ممدوح هست و نه فعل او

این از مطلب علامه

اما برویم سر دیگر مطالبش



بعد گفتی روایات مدح رو قبول دارم ولی در بین احادیث ضعفا هم هستن

چند جواب بهت می دهم، اولاً روایات مدح او نیاز به صحت سند ندارد زیرا مختار از بزرگان شیعه هست و در فضائل او سند بررسی نمی شود

ثانیا کدام مدح؟ شما که می گویی جهنمی و کافر و فلان هست کسی که کافره ممدوحه نزد اهل بیت؟

بعد گفتید که روایات مدح مختار در عقیده مختار نیست در فعل مختار هست این رو جوابت رو بالا دادم دوباره می دم برو بخوان اینقدر اباطیل رو تکرار نکن جوابت دادیم

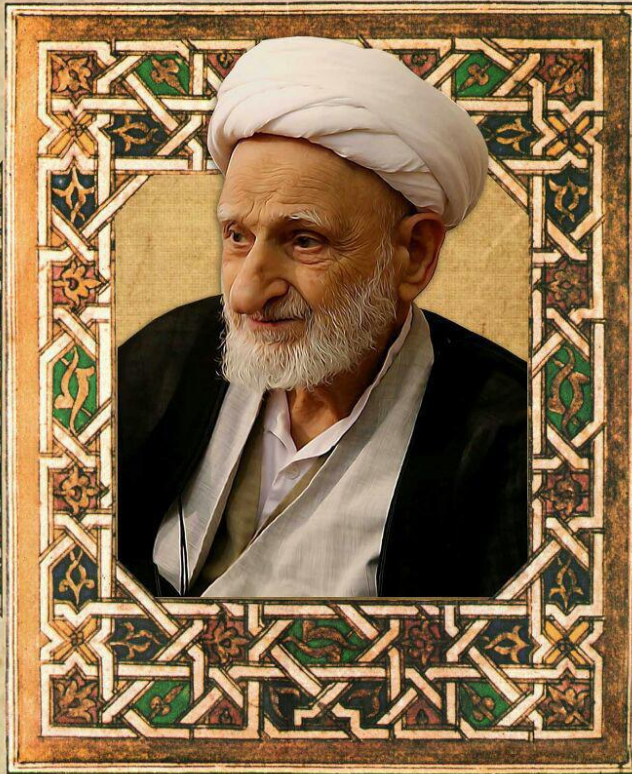
گفتیم اولاً علما فهمشان از روایات مدح مختار و روایات موجود و ایضا افعال او این هست که اینها دلالت در حقانیت و ممدوح بودن شخص او هست و نه فعل او ما اصلاً و ابدا نیازی به فهم جاهلانه و عوامانه شما نداریم که چه نظری دارید

نکته دوم کسی که کافر هست و به قول تو خوک است فلان چطوری مورد مدح اهل بیت هست؟ حال آنکه این خوک بودنش بابت هم فعل او هم هعست و هم شخصیت او طبق نظر شما ولی کن در مورد شخصیت مختار نیست بلکه در مورد فعل او هست طبق عقیده شما که ما از باب الزام می گوییم یعنی روایات ذم در شخصیت او نیست بلکه فعلی او هست که بی ارزشه پس در مورد این هم جواب دادیم

نکته سوم اینجاست تو هنوز نمی دانی عمل انسان برگرفته از عقیده او هست و نه غیر او، یعنی مثل این می ماند کسی بگوید من نماز می خوانم ولی به ان اعتقاد ندارم، کس روزه می گیرد ولی به ان اعتقاد ندارد لذا بگوییم عمل او درسته و نه اعتقاد او این از اباطیلی هست که ادم را جز خنده به عملی دیگه واگذار نمی کنه

مثلاً می گویند عمل مختار ممدوحه و نه شخصیت او حال آنکه فقهای نامی شیعه فهم شما را فهمی جاهلانه و باطل می دانند لذا با توگه به این روایات شخصیت خود حضرت مختار را ممدوح می دانند و نه اینکه بگویند عملش ممدوح هست اینها از اباطیل جاهلانه هست که مغز علمی در ان یافت نمی شود

نمونه بارز حضرت ایت الله العظمی بهجت رضوان الله تعالی علیه در مورد شخصیت حضرت مختار با توجه به این اعمالش چنین می فرماید



حضرت آیت الله العظمی کhomeini



در شأن مختار <sup>رحمه الله</sup> همین کفایت می کند

که قاتل دشمنان اهل بیت <sup>علیهم السلام</sup>

و قتل‌های سید الشهداء <sup>علیه السلام</sup> بود.

در محضر بیعت، ج ۲، ص ۱۳۴

در شأن مختار همین کفایت می کند که قاتل دشمنان اهل بیت علیهم السلام و قتل‌های سیدالشهدا علیه السلام بود.

اقای بی سواد دقت کن، قدس سره نفرموده عملش ممدوحه بلکه فرموده در شان مختار، شما فرق بین شان و ممدوح بودن عمل را ان شا الله تعالی می دانید چیه دیگه؟ ایشان نفرموده بابت شهادت قاتلین حضرت حسین علیه سلام عملش ممدوحه بلکه فعل او را دلالت بر مدح شخصیت او دانسته و نه عمل او می دانی چرا؟ چون فقها که فتاوایشان مثل شما نیست بلکه عمل را دلیل بر اعتقاد می دانند لذا می گویند چون او چنین اعتقاد داشته و با اعتقاد دشمنان را کشته لذا شان و شخصیت او ممدوح و ثقه و مورد اعتبار است که چنین تعبیری را بسیاری از علما داشتن حال آنکه مشهور بین علما هم ممدوح بودن شخصیت خود حضرت مختار است و نه فعلش

کدام جواب؟ شما هر چی گفتمی جواب شنیدید

فرمودید ایا روایتی برای دان مختار دارید یا خیر؟

می گوئیم بله داریم و بر فرضهم نداشته باشیم نیازی به داشتن دلیل نیست به چند دلیل

دلیل اول این هست که مختار از ثقات و اصحاب ائمه بوده لذا ائمه نمی توانستند علنی خروج او را تایید کنند زیرا مختار نزد امویه لو می رفت و به راحتی کشته می شد لذا این مسئله سر بین امام و او بوده

دلیل دوم ممدوح بوده شخصیت مختار نزد ائمه خود دلالت بر ممدوح بودن خروج او دارد

دلیل سوم سخن علما در مورد خروج او که ماذون است کفایت می کند برای ما

قال جعفر بن نما مصنف هذا الكتاب فقد رويت عن والدي رحمه الله عليه أنه قال لهم قوموا بنا إلى إمامي وإمامكم علي بن الحسين فلما دخل ودخلوا عليه أخبر خبرهم الذي جاءوا لأجله قال يا عم لو أن عبدا زنجيا تعصب لنا أهل البيت لوجب على الناس موازرتة وقد وليتكم هذا الأمر فاصنع ما شئت فخرجوا وقد سمعوا كلامه وهم يقولون أذن لنا زين العابدين عليه السلام ومحمد بن الحنفية.

همگی نزد امام (ع) رفتند و «محمد» به نمایندگی، جریان را باز گفت. امام (ع) فرمود:

ای عمو! اگر برده ای زنگی هم به نفع ما خاندان تعصب ورزد (و با دشمنانمان بجنگد) بر مردم لازم است که او را حمایت کنند. من تو را بر این امر (جریان قیام مختار) می گمارم، هر طور مصلحت دیدی عمل کن.

کوفیان، از نزد امام (ع) خارج شدند، در حالی که به یکدیگر می گفتند:

امام زین العابدین و محمد بن حنفیه به ما اجازه ی قیام دادند.

بحارالانوار، ج 45، ص 364-365

ابن نماء حلی روایت را اینگونه نقل کرده است:

فبدء عبد الرحمان بن شريح بحمد الله والثناء عليه، وقال: أما بعد، فأنكم أهل بيت خصكم الله بالفضيلة، وشرفكم بالنبوة، وعظم حقكم على هذه الأمة، وقد أصبتم بحسين عليه السلام مصيبةً عمت المسلمين، وقد قدم المختار يزعم أنه جاء من قبلكم، وقد دعانا إلى كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله والطلب بدماء أهل البيت، فبايعناه على ذلك، فان أمرتنا باتباعه اتبعناه، وان نهيتنا اجتنبناه. فلما سمع كلامه وكلام غيره حمد الله وأثنى عليه، وصلى على النبي صلى الله عليه وآله وقال: أما ما ذكرتم مما خصنا الله فان الفضل لله يؤتية من يشأ والله ذو الفضل العظيم. وأما مصيبتنا بالحسين عليه السلام فذلك في الذكر الحكيم. وأما ما ذكرتم من دعاء من دعاكم إلى الطلب بدمائنا، فوالله لوددت أن الله انتصر لنا من عدونا بمن شاء من خلقه، أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم.

عبد الرحمان بن شريح به حمد خدا شروع کرد و گفت: شما خاندانی هستید که خدا شما را به فضیلت اختصاص داده و شما را به وسیله مقام نبوت شرافت داده و حق شما را بر این امت بزرگ نموده است. شما دچار مصیبت حسین علیه السلام شده‌اید که عموم مسلمانان هم شده‌اند.

مختار نزد ما آمده و گمان می‌کند از طرف شما آمده است. وی ما را طبق دستور کتاب خدا و سنت رسول او و خونخواهی خون اهل بیت دعوت کرده است. ما هم با این شروط با وی بیعت کرده‌ایم. اکنون اگر تو ما را دستور دهی از او بیعت کنیم می‌پذیریم و اگر ما را نهی می‌کنی از او دوری و اجتناب خواهیم نمود.

موقعی که محمد بن حنفیه سخن عبد الرحمن و دیگران را شنید سپاس خدای را بجای آورد و درود بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد و فرمود: آنچه را که راجع به فضیلت ما خاندان گفتید فضل و فضیلت از خدا است که به هر کسی بخواهد عطا می‌کند. خدا صاحب فضل بزرگی است و مصیبتی که از طرف حسین دچار ما شد در قرآن حکیم است.

اما راجع به مطلبی که گفتید مختار شما را به خونخواهی ما فرا می‌خواند، قسم به خدا دوست دارم که خداوند توسط هریکی از بندگان باشد انتقام ما را بگیرد این سخن من است و از خداوند برای خود و شما طلب استغفار می‌کنم.

ابن نما الحلّی، جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله (متوفای 645هـ)، ذوب النضار فی شرح الثار، ص 96، تحقیق: فارس حسون کریم، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الاولى 1416

این هم نظر علما

وكان محمد بن الحنفية أكبر من زين العابدين عليه السلام سناً، ويرى تقديمه عليه فرضاً ودينياً، ولا يتحرك حركةً الا بما يهواه، ولا ينطق الا عن رضاه، ويتأمر له تأمر الرعية للوالى، ويفضله تفضيل السيد على الخادم والموالى، وتقلد محمد - رحمه الله عليه - أخذ الثأر إراحه لخاطره الشريف، من تحمل الأثقال، والشد والترحال.

محمد بن حنيفة از نظر سن از امام زين العابدين عليه السلام بزرگتر بود. در عين حال او تقدم امام سجاد را بر خود واجب و دين می دانست و بدون تصميم آن بزرگوار هيچ گونه عملی را انجام نمی داد و جز با رضایت او سخنی نمی گفت. و نسبت به آن حضرت نظير رعيتی بود که از والی خود فرمانبرداری نماید.

وی امام زين العابدين را نظير خادمی که مولای خود را بر خود فضيلت دهد بر خويشتن فضيلت و برتری می داد. این قلاده پر افتخار خونخواهی را محمد بن حنفيه به گردن مختار انداخت و خاطر شريف حضرت سجاد را از تحمل سنگینی ها و سختی های ارتحال شاد نمود.

ابن نما الحلّی، جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله (متوفای 645هـ)، ذوب النضار فی شرح الثار، ص 51، تحقیق: فارس حسون کریم، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الاولى 1416

اما جالب اینجاست ایشان به قول علما استدلال می کنه برای مذهب حجت انوقت ما به قول علما استدلال کنیم حجت نیست

دیشب به زعم خود برای بطلان مختار مثلاً به قول ایت الله میلانی و علامتین استدلال کرد اما وقتی ما استدلال می کنیم می شود حجت نیست

نمی دانم این اقایان چرا اینقدر گزینشی عمل می کنن هر ا به نفعشان هست قول از کافر هم بیارن حجتہ ولی وقتی به ضررشون باشه خود معصوم هم سخن بگویند حجت نیست و دنبال ضعیف روایت می گردن

اما رفقا

بنده نظر علامه میلانی رو هم بیارم چون دیشب به ایشان استدلال کردند  
ماهو رأی سماحة السيد علی الميلانی فی شخصیة المختار الثقفی؟ وهل سماحته من القائلین بصلاحة؟  
با توجه به اینکه عده ای در مدح و عده ای در ذم مختار ثقفی می گویند نظر حضرتعالی در رابطه با وی  
چیست؟ علت اختلاف نظر علمای شیعه درباره او چیست؟ برخی کارهای او مانند بیعت با ابن زبیر، امان دادن به  
عمر سعد و نصب قاضی شریح را چگونه میتوان توجیه کرد؟ آیا هدف مقدس او دلیلی برای این کاره میشود؟

پاسخ

آیت الله سید علی حسینی میلانی مدظله

بسمه تعالی

السلام علیکم

انتقامه من قتله سیدالشهداء علیه السلام مشکور علیه، وأما سائر تصرفاته فمنظور فیها.

آنچه مسلم است انتقام او از قتله سید الشهداء علیه السلام مورد تشکر می باشد و اهل بیت (علیهم السلام)  
خوشحال شدند و دعا کردند.

6127

<http://www.al-milani.com/farsi/qa/qa.php?cat=15&itemid=125>

دقت کنید رفقا استدلال حقیر را دقیق و کامل بخوانید

ایشان می فرماید که اصلا شخصیت مختار ممدوح نبوده نزد اهل بیت حال آنکه فعل او ممدوح هست

اما علامه میلانی چه فرموده؟

فرمودند اهل بیت خوشحال شدند و دعا کردند

این کلمه دعا کردند صاعقه سنگین است بر مخالفین مختار چرا؟

چون سوال می کنیم دعا به فعل مختار بر می گردد یا شخصیت و خود مختار؟

اگر بگویند به فعل مختار بر می گردد که سخنی هست باطل زیرا فعل نیاز به دعا ندارد چون تاثیری بر فعل ندارد به دو دلیل، دلیل اول اینکه فعل انجام شده و نیاز به دعا ندارد دلیل دوم دعا در فعل تاثیری ندارد

اما دعا به خود شخصیت مختار بر می گردد دلیل هم به خاطر فعل اوست چون او فعلی انجام دادن که باعث سرور اهل بیت بوده اهل بیت برای شخصیت او دعا کردند پس این اقا باید بدانند که اهل بیت از شخصیت او رضایت داشتن و علت رضایت از شخصیت مختار به جهت فعل او بوده یعنی او عملی انجام داده که بر آن اعتقاد داشته لذا چون اعتقاد او بوده برایش دعا کردند

اما یک

صاعقه هم از ایت الله سید خوئی می زنیم

ایشان فرموده بودند روایات در باب ذم مختار ضعیفه

و هذه الروایات ضعیفه الإسناد جداً.

تمام روایاتی که در مذمت مختار آمده است، جداً از نظر سندی ضعیف هستند.

نام کتاب : معجم رجال الحدیث نویسنده : السید أبو القاسم الموسوی الخوئی جلد : 19 صفحه : 105

<http://lib.eshia.ir/14036/19/105>

اما صاعقه دوم حضرت علامه را بخوانید و فیض ببرید

سید خوئی در بخش دوم صاعقه سنگینی می زند و نکات کلیدی می فرماید

ایشان به عنوان نکته اول می فرماید روایات در باب ذم مختار از باب تقیه آمده، انوقت اینها می گویند کی گفته از باب تقیه هست این صاعق اول

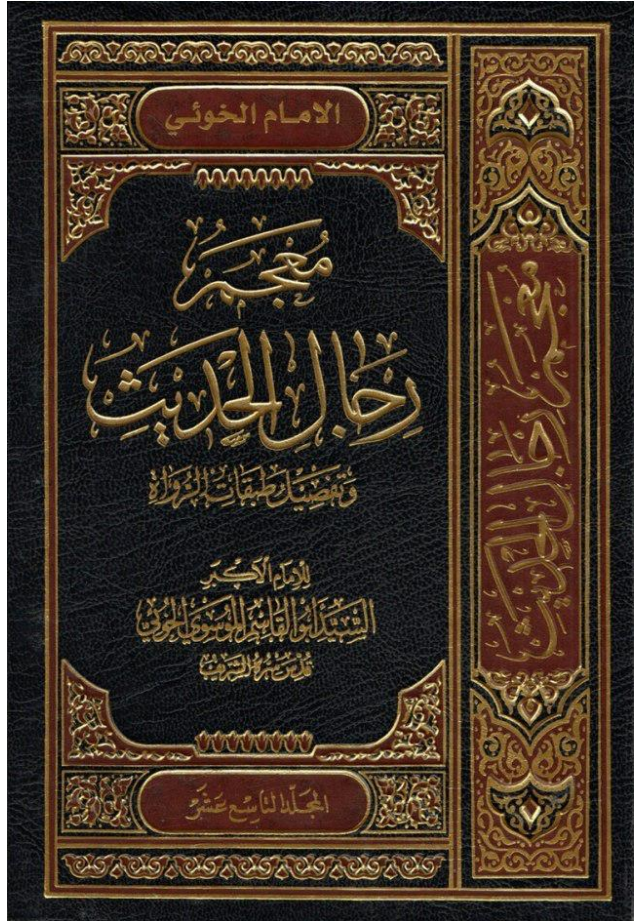
صاعقه دوم این هست علامه تصریح بر حسن بودن شخصیت مختار سخن گفته و نه فعل او و دلیل بر حسن بودن شخصیت مختار را هم فعل او می دانند پس این شخص باید بدانند به عنوان صاعقه دوم که اولی را از ایت الله بجهت زدیم اینجا دومی رو از سید خوئی زدیم که فعل مختار را دلیل بر ممدوح بودن شخص مختار دانستن دلیل هم این هست گفتیم زیرا فعل او برگرفته از عقیده او بوده و نه غیر عقیده است

و قد ذكرنا أنه مضافا إلى ضعف أسناد الروايات الدائمة، يمكن حملها على صدورها عن المعصوم تقيّة، و يكفي في حسن حال المختار إدخاله السرور في قلوب أهل البيت س بقتله قتلة الحسين (عليه السلام)، و هذه خدمة عظيمة لأهل البيت (ع) يستحق بها الجزاء من قبلهم، أ فهل يحتمل أن رسول الله (صلى الله عليه و آله) و أهل البيت (عليه السلام) يغضون النظر عن ذلك، و هم معدن الكرم و الإحسان، و هذا محمد ابن الحنفية بين ما هو جالس في نفر من الشيعة، و هو يعتب على المختار (في تأخير قتله عمر بن سعد) فما تم كلامه، إلا و الرأسان عنده فخر ساجدا، و بسط كفيه و قال: اللهم لا تنس هذا اليوم للمختار، و اجزه عن أهل بيت نبيك محمد (صلى الله عليه و آله) خير الجزاء، فو الله ما على المختار بعد هذا من عتب.

اسناد روایات مذمت مختار ضعیف است و محتمل است که روایات به علت تقیه از معصومین صادر شده باشند. در حسن و خوبی مختار همین بس که با کشتن قاتلان امام حسین علیه السلام شادمانی را در دل های اهل بیت علیهم السلام وارد کرد و این خدمت بزرگی به آنان است که به واسطه ی آن مستحق دریافت پاداش از جانب آن بزرگواران شد. آیا احتمال می دهید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در حالی که معدن کرم و احسان هستند، از مختار روی برگردانند؟ و محمد حنفیه در میان افراد شیعه نشسته بود و مختار را به علت تأخیر در کشتن عمر سعد مورد عتاب قرار داد؛ تا کلامش تمام شد، سرهای آنان در نزدش حاضر شد و او به سجده افتاد و گفت: خدایا این روز به یاد ماندنی را برای مختار ثبت کن و از جانب اهل بیت پیامبرت بهترین پاداش را به او بده. به خدا سوگند پس از این بر مختار سرزنش و ملامتی نیست.

معجم رجال الحدیث، تالیف آیت الله خویی، جلد ۱۹۰، صفحه ۱۰۸





(انتهى). السرائر: في المستطرفات، ما استطرفه من كتاب أبان بن تغلب.  
أقول: الروایتان ضعفتان، أما رواية التهذيب فبالارسال أولاً، وبأمية بن علي القيسي ثانياً. وأما ما رواه في السرائر فلأن جعفر بن إبراهيم الحضرمي لم تثبت وثاقته، على أن رواية أبان عنه وروايته عن زرعة عجيبة، فإن جعفر بن إبراهيم، إن كان هو الذي عدّه الشيخ من أصحاب الرضا عليه السلام فلا يمكن رواية أبان عنه، وإن كان هو الذي عدّه البرقي من أصحاب الياقر عليه السلام فروايته عن زرعة عجيبة، وقد أشرنا في ترجمة محمد بن إدريس، إلى أن كتاب ابن إدريس فيه تخليط.

هذا وقد قال ابن داود فيها تقدّم منه (٤٧٨) بعد ما ذكر روايات المدح وما روي فيه (المختار) مما يناهني ذلك: قال الكشي: نسبته إلى وضع العامة أشبه. إنتهى.

أقول: ما نسبه ابن داود إلى الكشي، لم نجده في اختيار الكشي، ولعلّ نسخة أصل الكشي كان عنده، وكان هذا مذكوراً فيه، وقد ذكرنا أنه مضافاً إلى ضعف إسناد الروايات الدائمة، يمكن حملها على صدورها عن المعصوم تقية، ويكفي في حسن حال المختار إدخاله السرور في قلوب أهل البيت سلام الله عليهم يقتله قتلة الحسين عليه السلام، وهذه خدمة عظيمة لأهل البيت عليهم السلام يستحقّ بها الجزاء من قبلهم، أفهل يحتمل أن رسول الله (ص) وأهل البيت (ع) بغضون النظر عن ذلك، وهم معدن الكرم والاحسان، وهذا محمد بن الحنفية بين ما هو جالس في نفر من الشيعة وهو يعتب على المختار (في تأخير قتله عمر بن سعد) فيما تمّ كلامه، إلا والرأسان عنده فخر ساجداً، وبسط كفيه وقال: اللهم لاتنس هذا اليوم للمختار وأجزه عن أهل بيت نبيك محمد خير الجزاء، فوالله ما على المختار بعد هذا من عتب. البحار: باب أحوال المختار من المجلد ٤٥، من الطبعة الحديثة، المرتبة الرابعة مما حكاها عن رسالة شرح الفارلابن نا.

اما نکته کلیدی اینجاست که از ائمه دلیل برای مدح شخص مختار داریم و نه فعل او این هم صاعقه از معصوم ما روایت داریم که ائمه فرموده اند مختار را فحش ندهید

خوب سوال اینجاست ائمه فرمودن مختار را فحش ندهید یا فرمودن فعل مختار را فحش ندهید؟ وقتی ائمه دفاع از شخص مختار کردن برای چپی تدلیس می کنید که شخصیت مختار مورد تکریم اهل بیت نیست؟

اما دوستان دقت کنید

این روایتی که با سند حسن وارد شده

نکته بسیار طوفانی دارد که صاعقه سنگین تری بر اقایین مخالف مخهتار است

دقت کنید

به استدلال حقیر

اقایان مدعی داشتن که خود را محق می دانستن، می گفتن که ائمه در روایات فعل مختار را مدح نموده اند و نه خود مختار را که برای این پاسخ دو صاعقه از دو فقیه نامی شیعه یکی از ایت الله بهجت و دیگری از ایت الله سید خوئی زدیم که آنها روایات مدح اهل بیت را دلالت بر مدح شخصیت مختار دانسته اند و نه فعل او حال می خواهیم روایتی را به اینها نشان دهیم که در این روایت اصلا ائمه دلیل مدح شخصیت مختار را این دانسته اند که او قاتل دشمنان اهل بیت هست

یعنی این اقایان باید به ما جواب دهند اگر مدح مختار توسط اهل بیت به فعل او هست و اینکه او قاتل ائمه بوده مربوط به مدح فعل او هست و نه شخصیت او به ما بگویند پس چرا ائمه مردم را منع از سب کردن مختار کردن بابت اینکه او قاتل ائمه هست؟

حمدویه، قال: حدثني يعقوب، عن ابن أبي عمير عن هشام بن المثنى عن سدير عن أبي جعفر عليه السلام قال: لا تسبوا المختار فإنه قد قتل قتلنا و طلب بثأرنا و زوج أراملنا و قسم فينا المال على العسرة.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: مختار را دشنام ندهید.

زیرا مختار: قاتلین ما خاندان را کشت، برای ما خونخواهی کرد، بیوه زنان ما را شوهر داد و در موقع عسرت و تنگدستی مال را در میان ما تقسیم نمود.

الطوسی، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسين (متوفای 460هـ)، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ج 1، ص 340، رقم 197، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستربادي، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، تاريخ الطبع: 1404 هـ

سند روایت

علامه حلی در خلاصه الاقوال نیز طریق این روایت را حسن دانسته است:

وهذا الطريق حسن.

الحلی الأسدی، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، ص 276، تحقیق: فضیله الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى، 1417هـ

خوب سوال اینجاست برای چی اهل بیت از مختار به قول شما جهنمی و کافر و منکر ولایت دفاع کرده اند؟ مگر شما نمی گوید ائمه فعل او را مدح کردن و نه شخصیت او را پس چرا اینجا شخصیت او را مدح کردن و از شخصیت او دفاع کردن؟ این نکته اول

نکته دوم که این روایت دلالت صد در صد در دفاع از مختار دارد و ثابت می کند او صحیح العقیده هست و شیعه امامی بوده این هست که خوب دقت کنید رفقا

این اقا می گوید مختار جهنمی هست چون منکر ولایت مولا بوده و شیعه مولا علی علیه السلام هم نبوده یعنی او بدعت گذار هست

حالا نکته کلیدی اینجاست

ائمه در روایات فرموده اند بدعت گذار را سب کنید اما اینجا از سب کردن مختار جلوگیری کرده اند

سوال اینجاست اگر مختار با انکار ولایت مولا کافر و جهنمی هست و ایضا بدعت گذار هست چطوری مشمول سب نشده و ائمه مردم را از سب به او منع کرده حال آنکه فرموده اند سب به بدعت گذار کنید؟ اگر او بدعت گذار بوده چرا اهل بیت منع از سب او کردن؟

پس همین دلیل بر صحیح العقیده بودن او و عدم بدعت گذار بودن او و ایضا دفاع ائمه از او و همچنین شیعه بودن او و همچنین ممدوح بودن شخص مختار دارد و نه فعلا

این صاعقه سنگین هم تقدیمی دیگر بود

مطلب بسیار زیاد هست دوستان

اما یک نکته که دیشب چند بار هم تکرار کرد و اون شخص هم جواب نداد این بود که مختار حب ابوبکر و عمر را داشت که این رو هم سید خوئی پاسخ داده و فرموده ضعیفه این روایات

1- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لِي: يَجُوزُ النَّبِيُّ (ص) الصَّرَاطَ يَتْلُوهُ عَلَيَّ وَ يَتْلُو عَلَيَّ الْحَسَنُ وَ يَتْلُو الْحَسَنَ الْحُسَيْنُ فَإِذَا تَوَسَّطُوهُ نَادَى الْمُخْتَارُ الْحُسَيْنَ (ع): يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي طَلَبْتُ بِتَارِكٍ فَيَقُولُ النَّبِيُّ (ص) لِلْحُسَيْنِ (ع): أَجِبْهُ؛ فَيَنْقُضُ الْحُسَيْنُ (ع) فِي النَّارِ كَأَنَّهُ عِقَابٌ كَاسِرٌ فَيَخْرِجُ الْمُخْتَارَ حُمَمَةً وَ لَوْ شَقَّ عَنْ قَلْبِهِ لَوُجِدَ حُبُّهُمَا فِي قَلْبِهِ.

امام صادق (ع) فرمودند: پیامبر اکرم (ص) از پل صراط می گذرند و حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) پشت سر ایشان و سپس امام حسین (ع) هنگامی که به وسط پل صراط می رسند، مختار (که در عذاب دوزخ است) ندا می دهد: یا ابا عبدالله من خون خواه شما بودم؛ پیامبر (ص) می فرمایند: ای حسین! جواب او را بده؛ سپس امام حسین (ع) همچون عقابی، مختار را از دوزخ نجات می دهند. و چه بسا اگر قلب مختار شکافته می شد، حب آن دو خلیفه در آن آشکار می شد.

این روایت و ایضا روایتی دیگر با همین مضمون آمده که سید خوئی جواب داده  
أقول: الروایتان ضعيفتان، أما رواية التهذيب فبالإرسال أولاً، وبأمية بن علي القيسي ثانياً. ....

هر دو روایت از نظر سند ضعیفاند. اولاً: روایت تهذیب مرسل است و ثانیاً: امیة بن علی قیسی (در روایت دوم) ضعیف است.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای 1411هـ)، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج 19، ص 108، الطبعة الخامسة، 1413هـ - 1992م

روایت ضعیفه و استدلال این اقا به عشق و علاقه حضرت مختار به شیخین باطله

یک استدلالی هم در باب لعن بر مختار کردن که این رو هم علامه مامقانی جواب داده  
اما این کلام علامه مامقانی هم صاعقه سنگینی هست که سومین دلیل بر پاسخ بر قول معصوم در باب صدور روایات از باب تقیه هست

وبما ذكرنا انفتح باب الجواب عن اخبار الذم و اللعن الذي ذكره المعترض في الوجه الثاني فان الذم و اللعن انما كان للتقية كما في غيره ممن ذموه و لعنوه كزرارة و ليث المرادي واضرابهما. وهذا هو الوجه في لعنه اياه....  
فليس لعنه اياه الا على سبيل التقية من عبد الملك واضرابه اخوان الشياطين لعلمه بقتله للمختار وقوة سلطنته بعد ذلك فجاز لعنه عليه السلام اياه مورياً حفظاً لنفسه ودمه عليه السلام. ويزداد ما ذكرناه وضوحاً بمنع الباقر عليه السلام في خبر سدير المتقدم من سبه فانه لو كان لعن السجاد عليه السلام عن جد من غير تقيه لما خالفه الباقر عليه السلام بالنهي عن سبه وما انكر نسبة الناس اليه الكذب في خبر عبد الله بن شريك.

با توجه به آنچه ذکر شد، پاسخ روایات ذم و لعن مختار نیز روشن می‌شود، زیرا ذم و لعن او به خاطر تقیه بوده؛ چنانچه همانند این روایات در مذمت و لعن زراره، لیث مرادی و امثالشان وارد شده است.

پس لعن مختار به خاطر تقیه و ترس از عبد الملک و امثال او از برادران شیطانها است؛ زیرا امام علیه السلام می‌دانست اگر تقیه نکند بعد از این که حکومت عبد الملک قوت بگیرد او را به خاطر ارتباط با مختار خواهد کشت به این جهت لعن مختار را جایز دانست و این لعن را از جهت توریه به خاطر حفظ خود جایز شمرد.

آنچه را گفتیم، روایت امام باقر علیه السلام در نقل سدیر که از دشنام به مختار نهی کرد، در روایت عبد الله بن شریک نسبت کذب را انکار کرد، روشن می‌کند.

مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 205، ناشر: المكتبة المرتضویة، نجف اشرف 1350 هـ

اما روایتی دیگر نقل کردن که گفتن ائمه فرمودن که حضرت مختار به امام معصوم دروغ می‌بست که این رو هم جوابش به ضرح ذیل است

اما برسیم سر روایاتی که اقایان استدلال کردند

فرمودند که در روایات آمده است اهل بیت فرموده اند حضرت مختار به امام دروغ می‌بسته می‌گوییم فرض می‌گیریم این حدیث اصلا صحیح، که صحیح نیست در جواب می‌گوییم از روایت از جهت متن و دلالت از باب متعارضات و ایضا قاعده مرجحات باطله زیرا در کتب عمریه هم وارد شده است

المختار فقال: إن علی بن الحسین قام علی باب الكعبة فلعن المختار فقال له رجل: جعلنی الله فداک تلعنه وإنما ذبح فیکم؟ فقال: إنه کان کذابا یکذب علی الله وعلی رسوله.

عیسی بن دینار می‌گوید: از ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) در باره مختار سؤال کردم. گفت: علی بن الحسین (امام سجاد) بر درب کعبه ایستاد و مختار را لعن کرد. مردی به او گفت: فدایت شوم او قاتلان شما را کشت آیا او را لعن می‌کنی؟ ابو جعفر گفت: مختار دروغگو بود که بر خدا و رسولش دروغ می‌بست.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابو عبدالله البصري (متوفای 230هـ)، الطبقات الكبرى، ج 5، ص 213، ناشر: دار صادر - بیروت.

طبیعی هست که امام چنین انتساباتی را به مختار دهد تا او را چهره ای منحوس نزد ائمه در مقابل نواصب نشان دهد تا اینکه مختار اعتقاد خود را به نوعی استتار نموده تا به ان هدف اصلی برسد

اما در مورد سند همان روایت دروغ بستن حضرت مختار هم جایه بحث است که علما فرموده اند که اسناد ان ضعیف هست

سید خوئی در مورد متن ان چنین می فرماید

ولكن هذه الرواية لعل فيها تحريفا، فإن المختار بن أبي عبيدة كان في الكوفة، والحسين بن علي عليهما السلام كان بالمدينة، ولم ينقل ولا بخبر ضعيف كذب من المختار بالنسبة إلى الحسين عليه السلام وغير بعيد أن المختار الذي كان يكذب على الحسين عليه السلام أن يكون رجلا آخر غير المختار بن أبي عبيدة.

این روایت شاید تحریف شده باشد؛ زیرا مختار بن ابی عبید در کوفه بود و حسین بن علی علیهما السلام در مدینه و هیچگونه خبری حتی روایت ضعیفی نقل نشده که مختار به حسین بن علی دروغ می بست. بعید نیست که آن مختاری که بر امام حسین دروغ بسته، مردی دیگری غیر از مختار بن ابی عبید باشد.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای 1411هـ)، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج 19، ص 106، الطبعة الخامسة، 1413هـ - 1992م

مطالب حقیر تمام شد